

رهایی از دانستگی

کریشنا مورتی

ترجمه:

مرسده لسانی

انتشارات بهنام

فهرست

- مقدمه مترجم ۱۱
درباره کیشنامورتی / پروفیسور دیوید بوهم ۱۳
دیدنِ ندیدن / عیسی جلالی ۲۱

فصل اوّل:

- جستجوی انسان - ذهن شکنجه شده - طرز نگرش سنتی - تله «مورد
احترام بودن» - موجود بشری و فرد - نبرد هستی - سرشت بنیانی
انسان - احترام - حقیقت - خود - دگرگونی - اتلاف انرژی - رهایی
از مرجع قدرت ۳۳

فصل دوّم:

- آموختن در باره خویش - سادگی و فروتنی - شرطی شدن ۵۱

فصل سوّم:

- خودآگاهی - تمامیت زندگی - هشیاری ۶۵

دیدنِ ندیدن

در این مقدمه می‌خواهیم اجمالاً ببینیم نظرات کریشنامورتی چیست. سوء تفاهم و برداشت‌های نادرست احتمالی در رابطه با بیان او چه می‌تواند باشد. رابطه نظرات او با تفکر، ذهن، هنر، ذن، هین، مراقبه و جهان‌بینی کاستاندا چیست.

برای جویندگان حقیقت، سلامت و عدالت چه رهنمودهایی دارد. آیا با خواندن آثار او و درک آن می‌توان به حل مشکلات روانی پرداخت؟ راجع به ترس، خشم، حسد، نگرانی و احساس ناامنی چه می‌گوید؟ آیا با اجرای نظرات او می‌توان به خودشناسی و خویش‌سازی پرداخت؟ جهان‌بینی او به روانشناسی و روانپزشکی و علوم انسانی و علوم اجتماعی چه کمکی می‌کند؟ و بالاخره آیا آثار او در حل مشکلات انسان و رشد و تکامل وی اثری دارد؟

«رهایی از دانستگی» و سایر نظرات کریشنامورتی اگر شتابزده، سطحی و یکسونگر خوانده شود باعث تضاد، سردرگمی و احیاناً گمراهی خواهد شد. بنظر من هنگام آشنا شدن با نگرش او انسان

به مانند راه رفتن بر روی طناب، نیاز به توجه، دقت و هوشیاری دارد.

کاری که به ظاهر آسان و در عمل مشکل است یا به عبارت دیگر در برخورد با نظرات او اگر مواظب نباشیم، نوش به نیش، راست به کج و درست به نادرست مبدل می شود. بنابراین اینگونه کارها، نیاز به مواظبت و مراقبت عمیق دارد - «مراقبه».

بنا به مشاهده و تجربه، جهات و نکات زیر را در کاهش سوء تفاهمات نسبت به آثار وی مؤثر می بینم. این جهات و نکات در واقع نوعی «خطازدائی» نسبت به نظرات اوست یعنی هرچه بیشتر بتوانیم خطاهای «درک» را درک کنیم و آنها را کاهش دهیم، عقاید او را بهتر می فهمیم و به نتایج آن می رسیم.

اولین خطا یا «پیش داوری»، خواندن و تحلیل کردن است، چه در شکل رد و چه در شکل قبول. به بیان دیگر از روی عادات و یا به قول خودش «دست دوم خواندن»، امکان درک درست مقاصد وی دست نمی دهد. چند سال طول کشید تا شخصاً متوجه منظور وی شدم که: اول «گوش کن، ببین، درک کن، واقعیات و حقایق را بفهم و بعد قضاوت کن» کاری که به حکم تجربه سخت است. امتحان کنید، اما چه بسا مانند رانندگی، ابتدا می پیچیم و بعد نگاه می کنیم. در حالیکه بیشش کریشنا مورتی این است: «اول ببین، بعد بیچ» خطای بعد برداشت یکسونگرانه است:

راجع به نظرات او در باره اندیشیدن، خواننده شتابزده